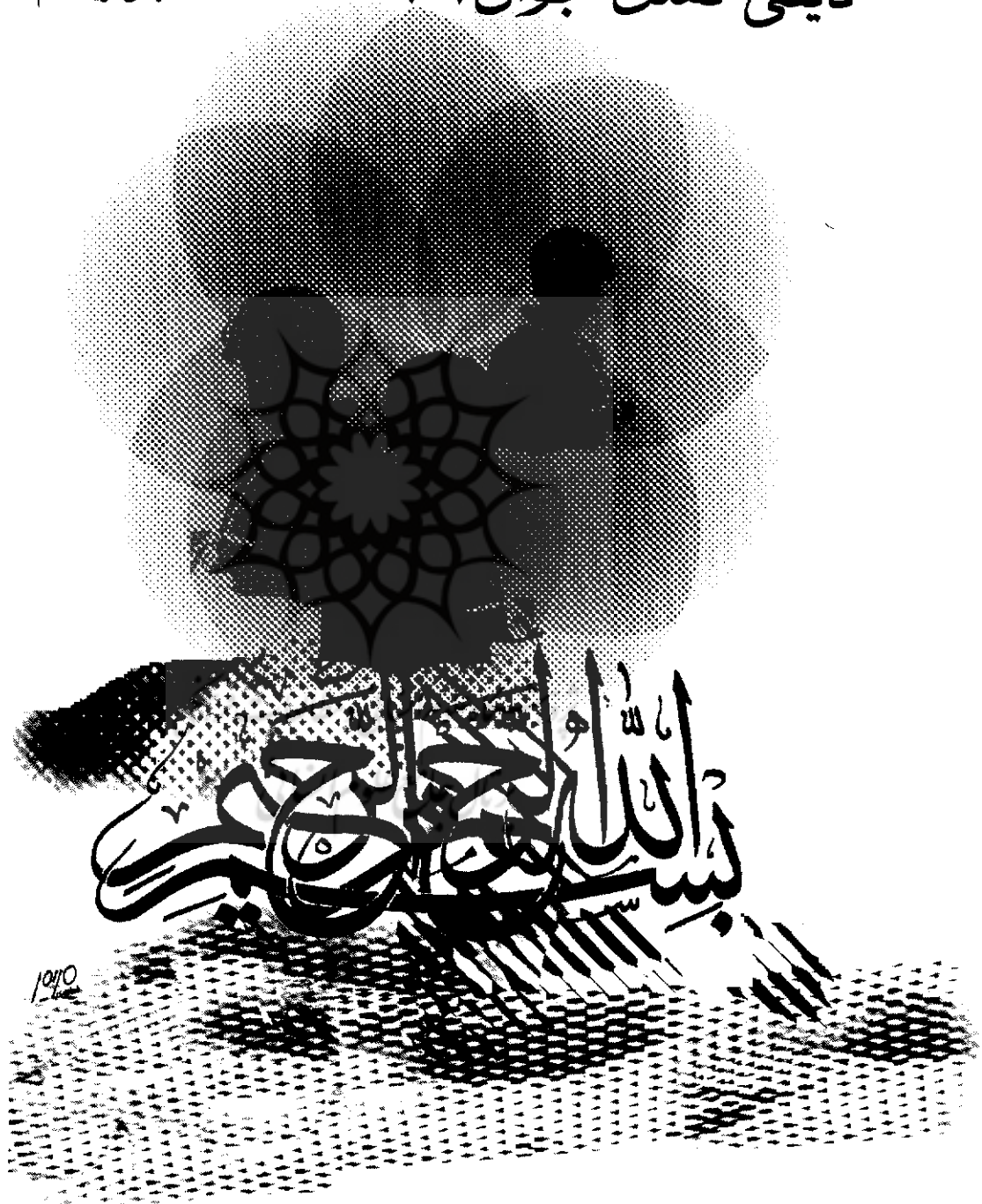


# اعتقاد به معاد و نقش آن در تربیت

## دینی نسل جوان (۲)

مهدی نوید ادهم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اشاره بخش اول از مقاله حاضر که اختصاص به موانع پذیرش این اعتقاد، داشت از نظر گرامی شما گذشت، شما را به مطالعه بخش دوم دعوت می‌کنیم. . . . .

### بخش دوم: راه کارهای گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد

عنایت به موانع مذکور مشخص می‌شود که پاسخ سؤال اصلی این نوشتار (چگونه می‌توان اعتقاد به معاد را در جامعه و در بین نسل جوان پایدار و نهادینه کرد؟) را تنها در تبلیغات کلامی و برگزاری جلسات و وعظ و سخنرانی نمی‌توان جستجو کرد بلکه باید با نگرش سیستمی و جامع نسبت به رفع موانع و ایجاد شرایط مناسب بر رشد باور به قیامت تأکید کرد تا تمامی افراد جامعه آگاهانه و با اختیار کامل پذیرای این باور اصیل و سازنده در جامعه دینی باشند. در این میان کودکان و نوجوانان از حساسیت و اولویت ویژه برخوردار بوده و نظام آموزش و پرورش مسئولیت مضاعف به عهده دارد زیرا اولاً بیش از  $\frac{1}{4}$  از جمعیت کشور را دانش آموزان تشکیل می‌دهند. دوم اینکه این گروه در مناسب ترین شرایط سنی برای تربیت پذیری بسر می‌برند. سوم اینکه آموزش و پرورش با در اختیار داشتن بیش از ۷۵ هزار مدرسه در شهر و روستا و بیش از یک میلیون نفر کادر آموزشی و تربیتی گسترده ترین و کارآمدترین پایگاه را برای فرهنگ سازی و ارتباط رودررو با نسل جوان در اقصی نقاط کشور دارا می‌باشد.

بدین منظور چندراه کار مناسب ویژه مدارس پیشنهاد می‌شود تا با درایت و حسن تدبیر برنامه ریزان و مجریان فعالیتهای تربیتی و آموزشی در مدارس، زمینه گسترش و تقویت این باور در نسل جوان بیش از پیش فراهم آید.

### ۱- مناسب سازی محیط آموزشی

در تعلیم و تربیت نوین، محیط آموزشی همپای سایر عوامل آموزشی مانند معلم، کتاب، روشهای تدریس، تکنولوژی آموزشی... در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان ایفای نقش می‌کند. در این نگرش «محیط» آموزشی به فضای فیزیکی مدرسه و مجموعه عوامل پیدا و پنهان در آن اطلاق می‌شود. شرایط کالبدی و فیزیکی مدرسه، معماری فضا، رنگ آمیزی و آرایش کلاسها، روابط انسانی حاکم در مدرسه، روابط دانش آموزان با یکدیگر، شخصیت و رفتار مدیر و معلمان و دانش آموزان و ارتباط آنان با یکدیگر و جو حاکم در مدرسه از جمله عواملی هستند که «محیط» آموزشی را می‌سازند. این عوامل بصورت آشکار و پنهان در انتقال پیامهای آموزشی و تربیتی به کودکان و نوجوانان نقش داشته و آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اگر فضای مدرسه

یادآور فطرت خداخواهی و تقویت کننده انگیزه آخرت گرایی باشد در چنین محیطی تلاش معلمان و آموزشهای آنان به بار نشسته و دانش آموزان را خداخواه و آخرت گرا بار می‌آورد و اگر جو حاکم در مدرسه و مجموعه عوامل محیطی با این پیام انسان ساز، بیگانه باشد به سختی می‌توان شاهد رویش شکوفه های ایمان به خدا و قیامت بود. در نتیجه مسؤلیت مدیریت مدرسه تنها برنامه ریزی آموزشی و تدارک امکانات و منابع برای اجرای آن نیست بلکه اصلی ترین رسالت او مناسب سازی محیط آموزشی برای تحقق تربیت دینی و رشد باورهای اعتقادی دانش آموزان می‌باشد تا در بستری مناسب تلاش عوامل آموزشی و تربیتی در تقویت اعتقادات مذهبی و اصلاح رفتار آنان به نتیجه مطلوب منتهی شود.

تأثیر محیط آموزشی را به عنوان مثال می‌توان در مقایسه دو سیستم آموزش حوزوی و دانشگاهی جستجو کرد. علیرغم تشابه نسبی اهداف و برنامه های این دو نهاد علمی، در این دو محیط آموزشی دو نوع انسان با دو نوع رفتار و دو نوع نگرش تربیت می‌شود. در سیستم حوزوی معمولاً کسب علوم با انگیزه رستگاری اخروی و آبادانی آخرت انجام می‌شود و در سیستم دانشگاهی معمولاً تلاش برای کسب مدارج بالاتر با هدف آبادانی دنیوی قرین است. در سیستم حوزه ای هرچه دانشجو و طلبه مدارج علمی بالاتری را سپری می‌کند، اعتقادش به خدا و قیامت و ارزشهای الهی بیشتر شده و روحیه خدمتگزاری به مردم و تواضع در برابر آنان در او فزونی می‌یابد در حالی که در سیستم آموزشی دانشگاهی - به ویژه در رژیم غیر دینی گذشته - با افزایش معلومات علمی و مهارتهای فنی توقع از مردم و ضرورت استفاده بیشتر از امکانات و سرمایه های جامعه بالاتر می‌رفته است به همین دلیل معمولاً مجتهدین از طلبه های جوان متواضع تر و کم توقع تر هستند و بالعکس دکترها و مهندسان نسبت به دانشجوهای جوان انتظارهای بیشتری از جامعه دارند. البته این سخن روح حاکم بر دو محیط علمی را تبیین می‌کند و الا موارد نقض در هر دو جریان وجود دارد. در نتیجه دو سیستم اجتماعی و دو محیط آموزشی متفاوت، دو اثر مختلف را بر باورهای دینی و اجتماعی مردم بر جای می‌گذارد.

### ۲- معیاری و پیرایش فطریها

در بینش اسلامی انسان موجودی فطری است که خداوند متعال گرایشهای فطری را در سرشت او به ودیعت نهاده است. این گرایشها در تمامی زمانها و در تمامی مکانها تجلی می‌یابند. از جمله امور فطری، کمال خواهی و آخرت گرایی در انسان است. بررسی سیر تحولهای اجتماعی انسانها نشان می‌دهد که اعتقاد به زنده شده و بازگشت مردگان از دیر زمان در تمامی جوامع

سنگ بازدم، شماره ۴۱

بشری وجود داشته است و هر یک متناسب با اعتقادهای خویش برای زندگی پس از مرگ چاره اندیشی کرده اند.

در نتیجه برای شکوفایی باور به قیامت در بین کودکان و نوجوانان نیاز به کشت این دانه نیست بلکه باید زمینه بروز و جوانه زدن آن را فراهم آورد و موانع اعتقاد به آخرت را از مسیر حرکت تربیتی نسل جوان زدود. یکی از موانع مهم در این سن، تأثیر آثار هنری به ویژه برخی از فیلمهای تلویزیونی و سینمایی است که بصورت مستقیم یا غیرمستقیم اعتقاد به قیامت را متزلزل کرده و میل به زندگی دنیوی و جاوید بودن دنیا را تقویت می کنند و با تبلیغ لذتهای مادی و ساعات خوش پوچ و بی محتوی، انسان را از هدفمندی زندگی غافل می سازند.

تبیین دقیق و صحیح اعتقاد به معاد با استفاده از روشهای مؤثر آموزشی و تربیتی و در قالبهای جذاب هنری و فرهنگی در بیداری فطرتها نقش تعیین کننده دارد. سرمایه گذاری برای آموزش کودکان و نوجوانان به ویژه در مناطق روستایی و نیز اعزام معلمان و مبلغان کارآمد و باورمند به قیامت، جلوگیری از ورود فرهنگ مخرب غربی به این مناطق (توسط رسانه های بیگانه و خودی!) در بیداری فطرتها و تنویر افکار، نقش تعیین کننده دارد. همچنین هماهنگی رفتار و گفتار معتقدان و مبلغان معاد زمینه تقویت گرایش فطری مردم به حیات اخروی را بیش از پیش فراهم می آورد و از تعارضهای احتمالی جلوگیری می کند. برگزاری نشاط انگیز مراسم عبادی و عرفانی و جلوگیری از برنامه های مذهبی کسالت آور، خسته کننده (و حتی محرف و منحرف) می تواند در ایجاد رغبت به سوی معارف الهی و تقویت رابطه عاطفی با تعالیم آسمانی نقش مؤثر ایفا کند.

### ۳- زنده نگهداشتن «یاد مرگ»

یکی از روشهای بسیار مؤثر در گسترش اعتقاد به معاد «زنده نگهداشتن یاد مرگ» در جامعه است. پذیرش این پدیده طبیعی و قبول حتمی بودن مرگ قبل از فرارسیدن آن، زمینه را برای قبول تعالیم آسمانی و زندگی در راستای اهداف و برنامه های دینی آماده می سازد. به همین دلیل در آیات و روایات به زنده نگهداشتن یاد مرگ و اثرهای سازنده و تعالی بخش آن تأکید فراوان شده و ذیل ابوابی همانند «اکثر و اذکر الموت» و «استعدوا بالموت» احادیث فراوان و متواتری در این زمینه وارد شده است<sup>۱</sup> تأکید بر قسابل دسترس بودن قبرستان مسلمانان و پیش بینی اجر اخروی برای زیارت اهل قبور - حرمت ترک جنازه مسلمین و اصرار بر کفن و دفن مناسب، تشییع جنازه و اذکار مربوط به آنها، برپائی مراسم ویژه و برگزاری مجالس تذکار و وعده ثوابهای فراوان اخروی برای آنها، همه و همه در این راستا قابل توجیه و تفسیر می باشد

که «یاد مرگ» و موقت بودن زندگی دنیوی و پایداری زندگی اخروی باید در جامعه زنده باشد و بصورت مشهود و ملموس ارائه شود. خوشبختانه در دو دهه گذشته نمود عینی و بارز این تحول آفرینی را در تشییع جنازه مطهر شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی شاهد بوده ایم که پیکر مقدس آن «زندگان جاوید» نیز طراوت و شادابی خاصی در زندگی «مردگان زنده» بوجود می آورده است و عطر روحبخش بویایی و تعالی را در فضای جامع می پراکنده است.

نکته قابل تأمل آن است که زندگی بر اساس فرهنگ غربی می تواند این اثربخشی را از پدیده «مرگ» و آثار مترقب بر آن بگیرد چنانکه متأسفانه در شهرهای بزرگ و در زندگی آپارتمان نشینی و شهرنشینی مواردی از آن - هرچند اندک اما قابل توجه - به چشم می خورد که قبرستانها به دلایل قابل قبول یا غیر قابل قبول از شهر دور شده اند و مردگان نیز با سفارش تلفنی به خاک سپرده می شوند! زنده بودن یاد مرگ، اشتیاق به زندگی اخروی را ایجاد می کند و این اشتیاق زمینه رشد فضایل اخلاقی و دوری از رذایل نفسانی را موجب می شود. قرآن کریم با ندای «فتمنوا الموت ان کنتم صادقین»<sup>۲</sup> مؤمنان واقعی را از غیر مؤمنان با ملاک اشتیاق به مرگ تمیز می دهد و حضرت علی (ع) با فریاد «والله لا بن ابی طالب آتس بالموت من الطفل بشدی امه»<sup>۳</sup> رمز خداجویی و کمال یابی خویش را تبیین می کند.

امام صادق علیه السلام در اثرات زنده نگهداشتن «یاد مرگ» می فرماید:

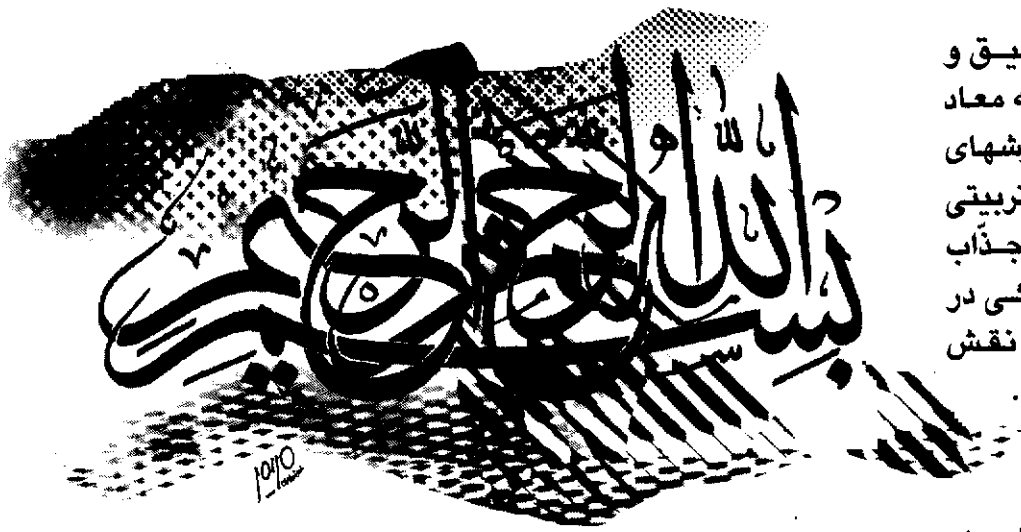
ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ وَيَقْلَعُ مَنَابِتَ الْعَقَلَةِ وَيُقَوِّي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيُرْقِّطُ الطَّبْعَ وَيُكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيُطْفِئُ نَارَ الْحَرَصِ وَيُحَقِّرُ الدُّنْيَا.<sup>۴</sup>

«یاد مرگ شهوتها را می میراند و ریشه های غفلت را از بین می برد و قلب انسان را با وعده های الهی محکم می گرداند و روحیه انسان را رقیق و لطیف می سازد و نشانه های هوی و هوس را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در چشم انسان کوچک می سازد.»

پیامبر اکرم (ص) در تأثیر تشییع جنازه بر یاد مرگ و اعتقاد به آخرت فرمودند:

«وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ تَذَكَّرُكُمْ الْآخِرَةَ»<sup>۵</sup> مردگان را تشییع نمایید که این امر شما را به یاد آخرت می اندازد.

استفاده بهینه و صحیح از مناسبتها و ایام ... در مدارس، ملاقات دانش آموزان با جانبازان عزیز به عنوان تجلی اعتقاد به قیامت و ذکر خاطره های آنها، دیدار خانواده شهدا و یادآوری انگیزه های آنان در پذیرش مرگ و شهادت، آموزش دقیق و کارشناسانه اثرات یاد مرگ به جوانان و نوجوانان، تبلیغ شوق انگیز



**\* تبیین دقیق و صحیح اعتقاد به معاد با استفاده از روشهای موثر آموزشی و تربیتی و در قالبهای جذاب هنری و فرهنگی در بیداری فطرتها نقش تعیین کننده دارد.**

**\* هرچند در جامعه، اصالت با ایجاد «مصونیت» است و باید با فعالیتهای آموزشی و تربیتی صحیح، افراد جامعه را در برابر گناهان و وسوسه های شیطانی مصون ساخت، لیکن ایجاد «محدودیت» برای سالم سازی جامعه ضروری و اجتناب ناپذیر است.**

و نشاط آور یابد مرگ در مجالس و مراسم فرهنگی، شرکت کنترل شده و هدفمند در مراسم تدفین و تشییع جنازه افراد الگو و موفق از جمله راه کارهایی است که در صورت اجرای دقیق و نشاط انگیز می تواند آثار مطلوبی را به همراه داشته باشد.

**تقویت خود انگیزگی**  
**Self-arousal**  
 یکی از آثار ارزشمند اعتقاد به معاد «درونی کردن» باورها و مبانی رفتارهاست که در تقویت رفتار هنجار و اصلاح رفتارهای نابهنجار و

ایجاد انگیزش برای کنشهای مطلوب فردی و اجتماعی تأثیر شگرف بر جای می گذارد. متأسفانه در تعلیم و تربیت موجود بیشتر از عوامل «بیرونی» و مادی نظیر تشویق، تنبیه، امتحان گرفتن، نمره و کارنامه دادن استفاده می شود و در رفتارهای اجتماعی نیز از عواملی مانند وضع قانون و بکارگیری نیروهای نظامی و انتظامی و جریمه و زندان کردن برای کنترل و اصلاح رفتارها استفاده می گردد در حالیکه در تعلیم و تربیت نوین تأکید

اصولی بر درونی کردن این امور و تقویت «خودسنجی»، «خودکنترلی»، «خودانگیزگی درونی» می باشد که زمینه انگیزش درونی و پایداری باورها و رفتارها را پدید می آورد. باور به قیامت، تجلی درونی اعتقاد به تعالیم الهی و تضمین کننده «خودسنجی» و «خودکنترلی» است. بنابراین با بکارگیری روشهای مناسب در فعالیتهای برنامه های آموزشی و تربیتی مدارس می توان زمینه درونی کردن باور و انگیزه ها را در کودکان و نوجوانان بوجود آورد. پیوند زدن انگیزه تحصیل با سعادت اخروی و دنیوی، کمرنگ کردن ارزش نمره در ارزیابی عملکرد و شخصیت دانش آموزان، برگزاری امتحانات - به ویژه امتحانات داخلی - با حداقل کنترل مدیران و معلمان، کاستن از «محدودیتهای» ظاهری در مدارس و تقویت «خودانگیزگی درونی» کاستن از تشویقهای مادی - به ویژه در دوره های راهنمایی و متوسطه - و افزایش تشویقهای معنوی و اخروی ... از جمله راه کارهایی است که اجرای دقیق و کارشناسانه آن می تواند زمینه اعتقاد به باورهای اخروی را فراهم آورد و قانونگرایی و پایبندی به ارزشها را در جامعه نهادینه و ماندگار سازد.

**۵- پالایش فرد و جامعه از وسوسه های شیطانی**  
 فرد آلوده به گناه و اسیر هواهای نفسانی نمی تواند اعتقاد به معاد را در خود رشد دهد و جامعه مبتلا به وسوسه های شیطانی نمی تواند بستر مناسب برای تعمیق باورهای دینی و ایمان به قیامت باشد در نتیجه باید نسبت به تهذیب فرد و پالایش جامعه از گناه و فساد اقدام نمود.  
 بهترین زمان برای تهذیب و تزکیه افراد، سنین کودکی و

سال یازدهم، شماره ۴۱

نوجوانی است. زیرا کودکان و نوجوانان در مناسب‌ترین دوران یادگیری قرار دارند و تلاش برای تربیت و تهذیب آنان همانند حکاکی بر روی سنگ است که پایدار و ماندگار خواهد بود. (العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر) آموزش و پرورش پویا و موفق می‌تواند زمینه تربیت انسانهای دین‌باور و معتقد به قیامت را فراهم آورد لذا سرمایه‌گذاری در این نهاد اجتماعی و بکارگیری نیروهای توانمند و مجرب در آن، زمینه‌ساز تربیت انسانهای مطلوب خواهد بود.

در پالایش و پیرایش جامعه از آلودگیها و کژیها، فعالیتهای تبلیغی و هنری نقش مؤثر و سازنده دارد. نکته قابل تأمل در این زمینه آن است که: هرچند در اصلاح جامعه، اصالت با ایجاد «مصونیت» است و باید با فعالیتهای آموزشی و تربیتی صحیح، افراد جامعه را در برابر گناهان و وسوسه‌های شیطنانی مصون ساخت، لیکن ایجاد «محدودیت» برای سالم‌سازی جامعه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اگر در جامعه‌ای فیلمهای ضد اخلاقی به راحتی رد و بدل شود، مجله‌ها و عکسهای غربگرا و نامناسب تولید و توزیع شود، رمانهای سکولاریستی به سهولت منتشر گردد، مواد مخدر به راحتی مبادله شود، ... در چنین جامعه‌ای، آسیب‌پذیری شدت خواهد یافت و تربیت دینی به سختی گسترش می‌یابد. به همین دلیل مولای متقیان حضرت علی (ع) - الگوی حاکمان اسلامی - برای تحکیم حکومت دینی در یک دست «قرآن» و در دست دیگر «ذوالفقار» داشت تا با فعالیتهای فرهنگی و گسترش «مصونیت» و فعالیتهای اصلاحی و ایجاد «محدودیت» زمینه را برای رشد باورهای دینی و اعتقاد به قیامت فراهم آورد.

#### ۶- تبیین دقیق زهد و آخرت‌گرایی و توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام

همان‌گونه که در جزء دوم بخش موانع گذشت عدم پاسخگویی روشن و جامع به سؤالهای مطرح‌شده در زمینه دنیاپرستی، دنیاخواهی، آخرت‌گرایی، مال‌اندوزی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و ... از دیدگاه مکتب توحید سبب می‌شود تا افراد پاسخ‌خویش را در مکاتب اقتصادی رایج جستجو کنند که این مکاتب نیز بر اساس اندیشه‌های اومانیستی و سکولاریستی، انسان را «این‌دنیایی» کرده و میل به آخرت و آخرت‌گرایی را در او ضعیف و نابود می‌سازند. زیرا راه‌کارهایی که مکاتب غربی برای بهبود وضعیت اقتصادی ارائه می‌دهند خواسته یا ناخواسته انسان را «این‌دنیایی» کرده و از یاد مرگ و باور به مبدأ و معاد بازمی‌دارند.

از مجموعه آیات و روایات می‌توان نکات زیر را در زمینه نگرش اسلام به دنیا و آخرت و روابط بین آنها برداشت نمود:<sup>۶</sup>  
- در اندیشه اسلامی دنیا و آخرت دو امر جدا از هم و روی در روی یکدیگر نیستند بلکه هر یک مرحله‌ای از مراحل هستی محسوب می‌شوند.

- ارتباط این دو جهان همانند ارتباط ظاهر و باطن شیء واحد است که با عبور موفقیت‌آمیز از دنیا می‌توان به سعادت اخروی دست یافت (الدُّنْيَا مَرْجَعَةُ الْآخِرَةِ - حدیث نبوی) و امام علی (ع) فرمودند: الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَمَرِكُمْ<sup>۷</sup>

- رهبانیت و اعراض از دنیا با جهان‌بینی و فلسفه خوش‌بینانه اسلام درباره هستی‌سازگار است و این نوع آخرت‌گرایی انحرافی در بینش اسلامی مطرود است. پیامبر اکرم (ص) به روشنی فرمودند: «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ»<sup>۸</sup> در نتیجه کاهلی، تنبلی، سرباز دیگران بودن، در تهیدستی خود ساخته فرو رفتن در این مکتب مذموم است.

- زهد اسلامی بیانگر انتخاب زندگی ساده و بی‌تکلف و پرهیز از تجمل و لذت‌گرایی است. زاهد واقعی سعی می‌کند ملاکها و ارزشهای آن جهانی را وارد زندگی این جهانی کند و مسؤولیتهای اجتماعی را به نحو مطلوب انجام دهد.

- تضاد دنیا و آخرت و دشمنی آنها با یکدیگر و به منزله مشرق و مغرب بودن آنها نسبت به هم<sup>۹</sup>، همه مربوط به جهان دل و ضمیر انسان و دل‌بستگیها و وابستگیهاست. به بیان دیگر دنیاپرستی و ماده‌گرایی و در اسارت وابستگی و علائق دنیوی بودن قبیح و مذموم است «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»، نه کار و تلاش برای آبادانی و سازندگی دنیا.

- توسعه در اندیشه دینی منحصر در بعد اقتصادی نیست بلکه شامل تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی می‌شود در نتیجه، جامعه اسلامی باید با برنامه‌ریزی و کار و تلاش نسبت به بهره‌وری مطلوب از مواهب الهی و دستیابی به توسعه همه‌جانبه اقدام نماید و فقر و تهیدستی را از بین ببرد.

- آبادانی و سازندگی جامعه باید در راستای تحقق اهداف اجتماعی اسلام که همان برقراری عدالت و قسط اجتماعی است، ساماندهی شود که هدف ارسال پیامبر الهی نیز دستیابی به قسط و عدالت اجتماعی است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱۰</sup>

با عنایت به نکات فوق می‌توان نتیجه گرفت که در مکتب حیات‌بخش اسلام، انسانها موظفند با کار و تلاش زمینه‌سازندگی دنیا و آخرت خود را فراهم آورند لیکن وابسته و اسیر علائق دنیوی

نباشند. دنیا را معبر و خانه موقت زندگی برای دستیابی موفق به آخرت و سرای جاویدان بدانند. باید انگیزه کار و تلاش در دانش آموزان تقویت شود و آنان با فراگیری علوم و فنون مختلف برای زندگی پرکار آینده آماده شوند و با پرهیز از تنبلی از راه حلال سرمایه و ثروت بدست آورند لیکن وابسته به ثروت خود نباشند و تمام مال و ثروت را برای خود و خانواده خود نخواهند بلکه با مال خود آخرت خویش را آباد سازند.

چنان که امام مجتبی (ع) در وصایای خود می فرماید:  
 «كُنْ لِدُنْيَاكَ كَانِكًا تَعِيْشُ اَبَدًا وَ كُنْ لِاٰخِرَتِكَ كَانِكًا تَمُوْتُ غَدًا»<sup>۱۱</sup>

همچنین امام کاظم (ع) در سفینه البحار به نقل از تحف العقول می فرماید:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدُنْيَاهُ»<sup>۱۲</sup>

یکی از مصادیق عینی این بحث و این نگرش وجود افراد خیر و نیکوکار در جامعه، مانند خیرین مدرسه ساز، می باشد که پس از سالها تلاش و زحمت، ثروتی را بدست آورده اند و آن را در راه خدا و برای آسایش مردم به هزینه گرفته اند.

در نتیجه اگر کلیه مراکز و نهادهای تبلیغی و فرهنگی تلاش نمایند تا تصویری منطبق با برداشتهای فوق از دنیا و آخرت و رابطه بین آنها در جامعه ارایه نمایند، این ذهنیت ضمن ایجاد پویایی و تحرک و سازندگی از غفلت نسبت به آخرت و معاد جلوگیری می کند و یاد مرگ را زنده نگه می دارد. علاوه بر آن اگر کلیه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و قانونمندیها و ساماندهی های مربوطه بر اساس برداشتهای مزبور صورت پذیرد زمینه ایجاد فقر و تهیدستی و با استغنا و ثروت اندوزی در افکار فردی و جمعی از بین می رود.

این برداشت، از پیدایش فاصله طبقاتی و جنگ فقر و غنی در جامعه جلوگیری می کند و بستر اجتماعی را برای اجرای احکام الهی و رویش شکوفه های دین باوری مستعد می سازد. در غیر این حالت، تقویت معرفت دینی و روحیه آخرت گرایی با سختی مواجه خواهد شد که امام علی (ع) آن شهید عدل و عدالت فرموده اند:

«الْعَدْلُ حَيَاةُ الْاَحْكَامِ»<sup>۱۳</sup>

### تلمیح مهم

در پایان یادآوری دو نکته زیر را ضروری می دانیم.

- ۱ - آموزش تعالیم دینی و تأکید بر باور به قیامت باید توأم با ارائه تصویری

روشن و دوست داشتنی از دین صورت پذیرد و از معرفی ترسناک، غیرمنطقی، هراس انگیز دین، به شدت پرهیز نمود. زیرا آخرین دین آسمانی، زیباترین، جذاب ترین، دوست داشتنی ترین، عقلی ترین و فطری ترین کلام، الهی است و اگر غیر از این عرضه شود، ظلمی بزرگ به ساحت مقدس پیامبر (ص) - رحمة للعالمین - روا رفته است.

۲ - این آموزش ها باید زمینه ساز رفتار دینی باشد نه معلومات دینی. باید فرهنگ مذهبی و تربیت دینی به مفهوم واقعی و عمیق خود رواج یابد تا کودکان و نوجوانان بتوانند تصمیمات خود را بر اساس این باورها اتخاذ نمایند در غیر این صورت، ظاهری از دین باقی می ماند و تعالیم دینی کارایی خود را از دست خواهد داد.

امید است این گونه برداشتها پس از حک و اصلاح توسط دین شناسان آشنا با دنیا و صاحب نظران دین باور به صورت یک «نظام فکری و علمی» تدوین و عرضه شود و سرلوحه کلیه برنامه ریزیها و سیاست گذاریها قرار گیرد.

### زیرنویس ها:

- ۱ - رجوع شود به: میزان الحکمة - باب الموت ۴۹۹ - اجل ۴ - برزخ ۳۵ - بحارالانوار جلد ۶ و ۸۱
- ۲ - سوره بقره آیه ۹۴ و سوره جمعه آیه ۶ و ۷ ... پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گویند.
- ۳ - نهج البلاغه عبده مصر ص ۴۱ خطبه ۵ = به خدا قسم فرزند ابیطالب به مرگ مأنوس تر است از فرزند به شیر مادر خود.
- ۴ - بحارالانوار ج ۶ ص ۱۳۲ - میزان الحکمه ج ۹ ص ۲۴۵ - ۱۸۸۴۷
- ۵ - نهج الفصاحه کلام ۱۹۹۳
- ۶ - در تدوین برداشتهای مذکور از کتب شهید مرتضی مطهری به ویژه مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی و سیری در نهج البلاغه (بخش ۶ و ۷) استفاده شده است.
- ۷ - نهج البلاغه - خطبه ۲۰۱ - دنیا خانه موقت است نه خانه اصلی پس از خانه موقت برای قرارگاه دایمی خویش توشه بگیرید.
- ۸ - بحارالانوار جلد ۱۵ - جزء اخلاق باب ۱۴
- ۹ - نهج البلاغه حکمت ۱۰۳
- ۱۰ - سوره حدید - آیه ۲۴ - ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و کتاب و میزان به ایشان دادیم تا مردم به قسط قیام کنند.
- ۱۱ - وسایل الشیعه - جلد ۲ - ص ۵۳۵ و برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می میری.
- ۱۲ - از ما نیست آن کس که دنیای خویش را به بهانه دین و یا دین خویش را به خاطر دنیا رها کند.
- ۱۳ - غررالحکم - ۲۹ - حیات احکام الهی به عدل است. ص ۱۲